



مقالات

در آمدی بر نظریه های شهر و جنسیت

در جستجوی شهرهای انسانی تر

محمد مهدی زاده

پژوهشگر برنامه ریزی و مطالعات شهری

انسان وقتی به کمال می رسد که نیمه مردانه و نیمه زنانه او به تعادل و هماهنگی برسند.

«کارل گوستاو یونگ»

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم شهری

چکیده:

شهرسازی مدرن، با همه دعاوی آزادی و برابری، در ماهیت خود خصلتی «پدرسالارانه» دارد که در موارد بسیار نیازها و ارزش های زنانه را نادیده گرفته است. جنبش توسعه پایدار و جنبش زنان در جهان نشان داده است که در شرایط دنیای امروز دستیابی به یک جامعه پایدار و عادلانه بدون مشارکت و حضور فعال زنان امکان پذیر نیست. به همین دلیل در طول دو دهه اخیر موضوع رابطه برنامه ریزی و جنسیت به یک گفتمان اساسی در شهرسازی بدل شده است. به نظر می رسد که دستیابی به شهرهایی زیباتر، مهربان تر و امن تر نیازمند بازنگری در مبانی سیاست های شهر با تاکید بر نقش عوامل جنسیتی و ارزش های زنانه در مسکن سازی، حمل و نقل، مراکز فعالیت و فضاهای فراغت و گردشگری است.

طرح مسئله: جایگاه و نقش زنان در شهرسازی

ارضای آنها کاملاً یکسان نیست. برای مثال نیازهای زیستی، اجتماعی و فرهنگی کودکان، جوانان، میانسالان و کهنسالان تفاوت های جدی با یکدیگر دارند و همچنین نیازهای زنان و مردان (در گروه های مختلف سنی) با تمایزهای آشکار زیستی، اجتماعی و فرهنگی همراه است. بدیهی است که الگوهای رفتاری زنان و مردان در مکان ها و فضاهای شهری یکی نیست و به همین دلیل نمی توان به شیوه یکسان به نیازهای آنان در هنگام کار، رفت و آمد، حمل و نقل، ورزش، تفریح و استراحت پاسخ گفت. اما مسئله بسیار شگفت آور و در عین حال تأسف انگیز این است که در شهرسازی مدرن - با وجود حضور وسیع زنان در

پرسش نخستین این است که شهر و شهرسازی چه رابطه ای با زنان دارد؟ آیا طرح این موضوع طفره رفتن از مسائل اساسی و یا پرداختن به بحث های مد روز نیست؟ اما اگر ژرف تر به موضوع بیندیشیم در می یابیم که شهر خوب یا شهر با کیفیت چنان شهری است که هر چه بیشتر بتواند به نیازهای مادی و معنوی شهروندان پاسخ گوید. از دیدگاه نظریه نیازهای انسانی و نقش آن در تامین رضایت و سعادت شهروندان دو متغیر اساسی وجود دارد که عبارت است از «جنس» و «سن». اگر چه نیازهای اساسی همه انسان ها مشترک است ولی در واقع شیوه بروز و

www.fekrebozorg.ir/paper

www.fekrebozorg.ir/blog

www.fekrebozorg.ir/shop

کفش ها و لباس های ویژه خود چگونه باید با گرما و سرما، جدول ها، پل ها، نهرها، نرده ها، و چاله چوله های شهر مبارزه کنند؟ یا چگونه می توانند در فضاهای خشن مردانه، خیابانهای تاریک و خلوت، بزرگراه های بی رحم با رانندگان ماجراجو و غیره ... آرامش و امنیت خود را حفظ کنند؟ یافته های پژوهشی بسیار در کشورهای مختلف جهان نشان می دهد که زنان معمولا دربرخورد با این مشکلات ناگزیر می شوند که در حد امکان خود را از فضاهای شهری دور نگاه دارند و از لذات آنها محروم شوند. بی تردید این وضعیت نوعی ستم خاموش، پنهان و همگانی است که بر زنان وارد می شود. اگر مردم سالاری بدون برابری زنان و مردان کامل نیست، توسعه شهری پایدار، نیز، بدون عدالت جنسیتی ناقص خواهد بود.

آرمان بر خورداری از يك جامعه عادلانه از ریشه دارترین آرزوهای بشری در طول قرون و اعصار بوده است که هنوز پس از فراز و نشیب

عرصه های عمومی و فضاهای شهری - خیلی کم به تفاوت و تنوع این نیازها توجه شده است. گویا در دل «منشور شهرسازی مدرن» منشور نانوشته دیگری وجود دارد که شهر را برای مردان مجرد و میانسال طراحی می کند. بیشتر الگوها، ساختارها و معیارهای شهرسازی مدرن خصلتی «مردانه» دارند و آگاهانه یا ناآگاهانه برای زنان همان نقش «جنس دوم» در نظر گرفته شده است. گویا شهرسازی مدرن از ارزش ها و هنجارهای مردانه تبعیت می کند و تمام عظمت، زیبایی، آسایش و کارایی را برای مردان می جوید و می سازد. به طور خلاصه باید گفت که گویا آسمان همه جا همین رنگ است و «پدرسالاری» در تمام بنیادهای شهرسازی، نیز، رسوخ کرده است.

آیا انبوه برنامه ریزان، مدیران و طراحان شهری به موضوعاتی این چنین اندیشیده اند که زنان باردار، یا بچه به بغل یا با کالسکه و کیف خرید با چه مصایبی در فضاهای شهری روبه رو هستند؟ آیا زنان با

عکس: امید مهدیزاده

♦ اگر مردم سالاری بدون برابری زنان و مردان کامل نیست، توسعه شهری پایدار نیز، بدون عدالت جنسیتی ناقص خواهد بود.

های بسیار جان های شیفته آدمی را به سوی خویش می کشاند. اما شگفتا که این رویای دیرینه در روزگار ما ابعادی گسترده تر، ژرف تر و پرجاذبه تر پیدا کرده است. اگر در جهان باستان برابری را در میان شهروندان آزاد (ونه بردگان) جستجو می کردند، و اگر در سده های میانه اندیشه برابری به صورت وحدت ایمان و عقیده پیگیری می شد، و اگر در دوران جدید جنبش های انقلابی و عدالت خواه به دنبال برابری اقتصادی و طبقاتی بودند، اینک در آستانه هزاره سوم جامعه بشری به ابعاد تازه ای از عدالت اجتماعی به

عکس: امید مهدیزاده

صورت برابری فرصت ها برای همه انسان های روی زمین - فارغ از قدرت، نژاد، مذهب، طبقه، جنس، سن و تابعیت - روی آورده است. در این میان اشکال جدیدی از کوشش ها و جنبش های برابر طلبانه به صورت عدالت زیست محیطی، عدالت فضایی، عدالت جنسیتی و غیره در چارچوب مفهوم فراگیر « حقوق بشر » رو به گسترش دارد. از جمله باید بر جنبش برابر خواهی زنان (فمینیسم) تاکید کرد که مهر و نشان خود را بر تمام عرصه های آزادخواهی، برابر خواهی و مردم سالاری زده است. از این رهگذر است که رشد ستابان شهرنشینی در عصر جهانی شدن افق ها و امیدهای تازه ای برای ایجاد شهرهای انسانی تر برای همه



مردم- به ویژه گروه های محدود تر و محروم تر مثل زنان، کودکان، کهنسالان و ناتوانان - پدید آورده است.

جنبش زنان و شهرسازی

اگرچه جنبش های اجتماعی زنان ریشه هایی کهن در تاریخ دارد ولی به شکل امروزی خود (فمینیسم) از حدود دهه ۱۹۶۰ ابتدا در اروپا و آمریکا آغاز شد که به تدریج گستره ای جهانگیر پیدا کرده است. جنبش فمینیسم بسیار ناهمگون و متنوع است ولی در یک بیان ساده و کلی می توان آن را به عنوان «تعهدی برای پایان دادن به سلطه جنس مذکر» تعریف کرد. جوهر جنبش فمینیسم عبارت است از باز تعریف هویت زنان، که گاهی با تصدیق برابری زن و مرد همراه است، و گاهی بر ویژگی های ذاتی زنان و برتری روش های زنانه به عنوان منابع کامل انسانی، تاکید می ورزد. بنابراین وجه مشترک بنیادینی که زیربنای تنوع جنبش فمینیسم را تشکیل می دهد عبارت است از: تلاش تاریخی، فردی و نیز جمعی، رسمی و غیر رسمی، برای تعریف مجدد زن بودن در تقابل مستقیم با پدرسالاری (کاستز، ۱۳۸۰: ۲۱۷).

در واقع دفاع از حقوق زنان سنگ بنای فمینیسم است و همه نظریه های فمینیسی در نهایت بر این نظر اشتراک دارند که زنان انسان اند. نه عروسک، برده، شیئی یا حیوان. از این نظر فمینیسم در واقع شاخه ای از جنبش حقوق بشر است. همچنین نیرو و سرزندگی جنبش فمینیسم در تنوع آن، یعنی در قابلیت سازگاری با فرهنگ ها و دوره های مختلف نهفته است (همان، ۱۳۳۸). و نیز نباید فراموش کرد که جنبش راستین فمینیسم به دنبال جایگزینی «زن سالاری» به جای «پدرسالاری» نیست بلکه بنیادی ترین هدف آن ایجاد جهانی است که نه تنها برای بعضی از زنان، بلکه برای همه آنان، و نه فقط برای زنان، بلکه برای مردان، نیز، جای بهتری باشد (فریدمن، ۱۳۸۲: ۱۵).

با وجود تنوع در گرایش های فمینیستی می توان محتوای اجتماعی جنبش های زنان را به سه گرایش عمده (لیبرال، مارکی و رادیکال) تقسیم کرد. در گرایش لیبرال فمینیسم کانون توجه بر برابری حقوق زنان و مردان در تمام عرصه های زندگی اجتماعی، اقتصادی و نهادهای متمرکز است، با این استدلال که اساس نظام های لیبرالی قابل قبول است اما حقوق و امتیازاتی که اعطا می کنند باید به زنان تعمیم یابد و

به آنان حق شهروندی مساوی با مردان بدهد. فمینیست های مارکسیست و سوسیالیست نابرابری جنسیتی و سرکوب زنان را به نظام تولیدی سرمایه داری و تقسیم کار سازگار با این نظام مرتبط می دانند و بنابراین راه حل رهایی از این نابرابری را در تغییر بنیادی روابط سرمایه داری جستجو می کنند. اما فمینیست های رادیکال سلطه مردان بر زنان را ناشی از نظام مردسالاری می دانند که از همه ساختارهای اجتماعی مستقل است، یعنی محصول سرمایه داری نیست، از نظر آنان مبارزه با نابرابری زنان و مردان به عرصه های فراتر از مبارزه طبقاتی مربوط می شود (فریدمن، ۱۳۸۲: ۱۱).

در دو سه دهه اخیر همراه با تشدید پدیده جهانی شدن و گسترش بی سابقه ارتباطات و اطلاعات، ابعاد جنبش زنان بسیار گسترده تر و عمیق تر شده و در تمام عرصه های اجتماعی، برنامه ریزی و مدیریت مثل محیط زیست، توسعه پایدار و شهرسازی پایدار جای خود را باز کرده است. از جمله امروزه در تحلیل و فهم مسائل شهری در رشته های مختلفی مثل جامعه شناسی شهری، جغرافیای شهری، برنامه ریزی و طراحی شهری از نظریه های فمینیستی به وفور استفاده می شود. در این زمینه انبوهی از کتابها و مقالات جدید نشر یافته است که جدا از مباحث عام نظری به مباحث مشخص تر در حرفه شهرسازی پرداخته اند: هویت جنسیتی و فضا، عدالت فضایی، مشارکت زنان، امنیت زنان، جنسیت و فضاهای عمومی و غیره (کوز، ۲۰۰۵: ۱۷۹). نکته جالب توجه این است که رشد سریع شهرنشینی در جهان سوم با رشد جنبش های زنان و افزایش سریع تشکل های زنان،

جنبش راستین فمینیسم به دنبال جایگزینی «زن سالاری» به جای «پدرسالاری» نیست بلکه بنیادی ترین هدف آن ایجاد جهانی است که نه تنها برای بعضی از زنان، بلکه برای همه آنان، و نه فقط برای زنان، بلکه برای مردان، نیز، جای بهتری باشد.

روند رویدادهای جهانی نشان داد که هر گونه توسعه پایدار بدون دخالت فعال نیمی از بشریت، یعنی زنان تلاشی بی حاصل است و نیز هرگونه مبارزه برای رفع تبعیض از زنان بدون مشارکت خلاق زنان و مردان در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها راه به جایی نخواهد برد.

به ویژه در نواحی کلانشهری، همراه بوده است. در واقع فرایندهای توامان انفجار جمعیت شهری، بحران اقتصادی و سیاست های صرفه جویی، که مردم و به ویژه زنان را در برابر دو راهی مبارزه یا مرگ قرار داد. محرك اصلی رشد چنین جنبش هایی بوده است. به همین دلیل برخی از پژوهشگران مسائل شهری از پیدایش جنبش های شهری زن محور در برخی از کشورهای در حال توسعه مثل مکزیک یاد کرده اند (کاستار، ۱۳۸۰، ۲۳۰).

نخستین انتقادهای فمینیستی علیه مدرنیته ضرورتاً به حوزه شهرسازی، نیز کشیده شد. بررسی های ژرف تر نشان داد که ماهیت شهرسازی مدرن بر رویکرد پدر سالانه و معیارهای مردانه استوار شده است که برخی مصادیق آن به قرار زیر است:

• جامعه شهری اصولاً از افرادی تشکیل شده که دارای نیازهای مشابه هستند و تفاوت های اساسی میان مردان و زنان به حساب نیامده است.

• در تقسیم کار فضایی نوعی تمایز پنهان میان «فضای عمومی» (مذکر و تولیدی) و «فضای خصوصی» (مونث و مصرفی) در نظر گرفته شده است.

• بسیاری از ضوابط و روش های برنامه ریزی و طراحی شهری در انطباق با الگوهای مردانه سازمان داده شده است.

• به دلیل نبود یا کمبود امکانات مناسب برای آسایش و امنیت زنان در فضاهای شهری در عمل بیشتر زنان از حضور در آنها محروم شده اند.

در یکی دو دهه اخیر به دلیل طرح این گونه مباحث توجه و علاقه به نقش عوامل جنسیتی در مباحث نظری و عملی شهرسازی به طور فزاینده ای رو به گسترش نهاده است ولی به نظر می رسد که تغییر رویکردها و رویه های موجود در این عرصه به تلاش های بسیار نیاز دارد.

شهرسازی مردانه و واکنش زنانه

جنبش مدرنیسم، با وجود همه ادعاها درباره آزادی خواهی و آزاد اندیشی، در ماهیت خود خصلتی مردانه و پدر سالار داشت. شهرسازی مدرن، نیز، اگرچه طرفدار کارآیی، شکوه، زیبایی و رفاه شهر برای همگان بود ولی در بطن خود، خودآگاه و ناخودآگاه، پیگیر ارزش ها و هنجارهای مردانه ای بود که به نام بشریت معرفی می شد. اگرچه شهرسازی مدرن، از دهه ۱۹۶۰ به بعد، از همه سو با انتقادات جدی رو به رو گردید ولی در این میان یک دیدگاه خاص زنانه نقشی پیشاهنگ و راهگشا ایفا کرده است. انتشار کتاب «زندگی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا» تألیف خانم «جین جکوبز» در سال ۱۹۶۷ چرخشی بزرگی در تغییر دیدگاهها در برنامه ریزی و بزرگ طراحی شهری به شمار می رود. خانم جکوبز در اوج سلطه مدرنیسم در شهرسازی نیویورک، که همه چیز شهر را فدای عظمت بزرگراهها و آسمان خراش ها می کرد، به دفاع از سرزندگی و سادگی زندگی در محله و خیابان پرداخت و معیارهای یکسان سازی و عظمت طلبی و سوداگری شهرسازی مدرن را به چالش کشید. به نظر «مارشال برمن» در کتاب «تجربه مدرنیته» یکی از عوامل اساسی در شکل گیری اندیشه جکوبز احساس زنانه و مادرانه ای است که او را به سوی نوعی شهرسازی انسانی هدایت می کرد. احساسی که از جنب و جوش زندگی روزمره مثل خرید زنان خانه دار، دلپره مادران بچه دار، بازی کودکان، تجمع کهنسالان، سرخوشی جوانان، گفتگوی همسایگان و خرده فروشان محلی و غیره سرچشمه می گرفت.

به گفته برمن امروزه به هنگام قرائت «مرگ و زندگی شهرهای بزرگ آمریکا» در می یابیم که این اثر سرشار از پیشگویی ها و هشدارهای بجا در مورد جهت گیری و مقصد مدرنیسم طی سال های بعدی است. زمانی که کتاب جکوبز منتشر شد، این مضامین توجه عموم را جذب نکرد و در واقع شاید خود او نیز متوجه آنها نبوده است، اما این مضامین

این شهرها هستند. از این رو جکوبز علاوه بر یاری رساندن به احیای فمینیسم، در گسترش روز افزون این باور در میان مردان نیز سهیم بود که آری، زنان هم در باب شهر و زندگی مشترک ما در شهر حرفی برای گفتن دارند، و ما با گوش ندادن به این سخنان در واقع زندگی خودمان و آنان را فقیر ساخته ایم (برمن، ۱۳۸۳: ۳۹۵).

زنان و توسعه پایدار

اگرچه جنبش توسعه پایدار و جنبش برابری زنان با انگیزه‌ها و روش‌های متفاوت و جدا از یکدیگر در دهه ۱۹۸۰ در جهان رو به گسترش نهاد ولی سرانجام در موضوعات مهم و مشترکی مثل حفاظت کره زمین، توسعه، عدالت اجتماعی و مشارکت به همفکری و همگامی رسیدند. در واقع روند رویدادهای جهانی نشان داد که هرگونه توسعه پایدار بدون دخالت فعال نیمی از بشریت، یعنی زنان، تلاشی بی حاصل است و نیز هرگونه مبارزه برای رفع تبعیض از زنان بدون مشارکت خلاق زنان و مردان در فرایند توسعه اقتصادی - اجتماعی کشورها راه به جایی

در کتاب او حضور دارند. کتاب جکوبز، جدا از تاکید آن بر نقش فضاهای شهری و از جمله خیابان در کیفیت زندگی شهری، حاوی مضمون پیشگویانه خیلی مهم دیگری است که ظاهراً در آن زمان هیچ کس بدان توجه نکرده است. از زمان انتشار آثار «جین آدامز» (فمینیست مشهور) به بعد کتاب جکوبز نخستین نمونه از نگرش زنان نسبت به شهر است که به صورتی کاملاً شکل یافته و مدرن عرضه شده است. دیدگاه جکوبز، به يك معنا، حتی زنانه تر از دیدگاه آدامز است. پشتوانه کتاب او تجربه ای عمیق و دست اول از زندگی در محله های قدیمی نیویورک است که آدامز فقط به طور غیر مستقیم با آن آشنا بود. جکوبز به دقت از همه جزئیات زندگی شبانه روزی محله خود باخبر است. زیرا در همه ساعات این زندگی حضور داشته است، درست همانطور که بیشتر زنان به طور طبیعی در همه ساعات حضور دارند، به ویژه وقتی مادر می شوند و با کودکان معصوم خود ناگزیرند در تلاطم اقیانوس شهر از خانواده خود دفاع کنند او این احساس را به خواننده القا می کند که زنان به معنای زندگی در شهرها، خیابان پس از خیابان، روز پس از روز، به خوبی واقف اند، آن هم بسی بیشتر از مردانی که طراح و سازنده

عکس: امید مهدزاده

اگر جهان مصرفی با همین روند فعلی پیش برود زیر بار محدودیت امکانات خرد خواهد شد. زنان با نقش مهمی که در مدیریت خانواده به عهده دارند می توانند نقش موثری در این زمینه ایفا کنند. زنان نخست باید به تاثیر و اهمیتی که دارند آگاه شوند و سپس بکوشند مدیریت تغییر را در شیوه مصرف به عهده گیرند. آنان باید الگوی مصرف را تغییر داده و این مهم را از خودشان آغاز کنند. اگر زنان در مورد لزوم تغییر در شیوه زندگی و الگوی مصرف فعلی مجاب شوند، به عنوان اساسی ترین عامل ایجاد تغییر در نهاد خانواده، محیط کار و جامعه پیش قدم خواهند شد. از سوی دیگر طرفداران محیط زیست، دولت‌ها و سازمان‌های بین المللی باید به نقش و اهمیت زنان در حفاظت از محیط زیست توجه داشته باشند و در غیر این صورت یکی از هم پیمانان خود را در حمایت از محیط زیست از دست خواهند داد. (زامدی، ۱۳۸۶، ۹۸)

سازمان ملل متحد در کمیسیون مربوط به وضعیت زنان در سال ۱۹۹۷ به منظور ارتقای مشارکت زنان در حفاظت از محیط زیست، ضرورت مورد توجه قرار دادن نگرش جنسیتی در تمامی برنامه ها و سیاست های زیست محیطی را پیشنهاد کرد. دخالت دادن زنان در تصمیم گیری های مربوط به محیط زیست به عنوان مدیر، طراح، برنامه ریز و مجری طرح های زیست محیطی در زمره هدف های راهبردی چهارمین کنفرانس جهانی زن (پکن) بوده است. برخی از کشورها گام هاتی موثری در این زمینه برداشته اند. (همان، ۹۹)

به طور خلاصه در سالهای اخیر زیر تاثیر جنبش های فمینیسم و توسعه

نخواهد برد. بر همین اساس در کنفرانس سازمان ملل متحد درباره «زنان، عدالت، برابری و صلح» (نابروبی، ۱۹۸۵) نقش مشارکت زنان در مدیریت زیست بوم ملی و بین المللی مورد تاکید قرار گرفت و راهبردهایی آینده نگر به دولت‌ها پیشنهاد گردید. در پیگیری این هدف در کنفرانس سازمان ملل درباره محیط زیست و توسعه (۱۹۹۲-ریو) سند توسعه پایدار جهانی (دستور کار ۲۱) به تصویب رسید که يك فصل آن به موضوع «اقدام جهانی به نفع زنان در راستای توسعه پایدار و عادلانه» اختصاص یافته است. در این سند مهم اهداف، راهبردها و راهکارهای مربوط به جایگاه و نقش زنان در فرایند توسعه پایدار، عدالت اجتماعی و مشارکت به صورتی مسبوت برای اتمام کشورها و مردم جهان مطرح شده است. (دستور کار ۲۱، ۱۳۷۷)

اگر جهان مصرفی با همین روند فعلی پیش برود زیر بار محدودیت امکانات خرد خواهد شد. زنان با نقش مهمی که در مدیریت

عکس: امید مهدیزاده

زنان، بر خلاف گذشته که بیشتر به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه داشتند، به طور فزاینده‌ای در می‌یابند که چگونه سیاستهای شهری - برای مثال در زمینه مسکن سازی حمل و نقل، و فضاهای باز - می‌تواند به آسایش یا سختی زندگی روزمره آنان کمک کند. به همین دلیل علاقه بیشتری به مشارکت در برنامه ریزی و مدیریت شهری نشان می‌دهند و به پیوستن به انواع انجمن‌ها و تشکل‌های محلی برای سازماندهی بهتر محیط زندگی خود روی می‌آورند.

که رویکردها و روش‌های رایج برنامه ریزی و شیوه آموزش شهرسازی در مسیر درست، کیفی و عادلانه نیست. به همین دلیل به ترویج اندیشه‌های تازه درباره «زنان و برنامه ریزی» روی آوردند. البته در این راه مشکلات و مقاومت‌های زیادی وجود داشت ولی این فرایند ابتدا با اقدامات فردی زنان و سپس به صورت فعالیتهای جمعی و سازمان یافته به طور تدریجی ادامه پیدا کرد، برای مثال نشریه «زنان و محیط زیست» (WEB) در انگلستان انتشار یافت و گروههای مختلف حرفه‌ای از معماران و شهرسازان زن و مرد شروع به فعالیت کردند. از جمله بازتابهای عملی این تلاش‌ها باید به تدوین طرح جدید لندن با عنوان «طرح توسعه لندن بزرگ» در سال ۱۹۸۴ اشاره کرد که فصلی از آن به موضوع «زنان در لندن» اختصاص یافت. در این طرح، برخلاف طرح‌های پیشین، تاکید زیادی بر ملاحظات اقتصادی - اجتماعی و از جمله عدالت اجتماعی و تامین حقوق گروههای مختلف در شهر شده است. در طرح لندن بزرگ تصریح شده است با این که زنان ۵۲ درصد از جمعیت لندن را تشکیل می‌دهند از نظر توزیع ثروت و دسترسی به منابع و فرصت‌ها در مقایسه با مردان به گونه‌ای چشمگیر در محرومیت به سر می‌برند. از این نظر در بخش سیاست‌های راهبردی طرح نقش تاثیرگذار زنان و ضرورت تامین نیازهای آنان مورد تاکید قرار گرفته است (طرح لندن بزرگ، ۱۳۸۴)

با همه اینها نباید چنین نتیجه گرفت که همه چیز بهتر شده است. با این که تعداد زنان تحصیل کرده در رشته‌های شهرسازی بسیار افزایش یافته است. هنوز نقش آنان در نهادهای حرفه‌ای و در فرایند تصمیم‌سازی بسیار اندک

پایدار تحولات تازه‌ای در عرصه شهرسازی به ظهور رسیده که با افزایش نقش زنان همراه بوده است:

- رشد آگاهی عمومی از کمبودها و محدودیتهای شهری برای زنان
- افزایش تعداد زنان تحصیل کرده در رشته‌های برنامه ریزی و طراحی شهری
- افزایش نقش زنان در حرفه‌های شهرسازی، محیط زیست و مدیریت شهری
- افزایش انتشارات و پژوهش‌های شهری توسط زنان
- افزایش تشکل‌های زنان در زمینه مسائل شهری و محیط زیست شهری

تغییر نقش زنان در برنامه ریزی و طراحی شهری

در دوران پیدایش شهرسازی مدرن، در آغاز قرن بیستم، زنان نقش موثری در این فرایند نداشتند ولی از حدود دهه ۱۹۶۰ در بستر گسترش انتقادهای شهرسازی مدرن و همراه با رشد جنبش‌های زنان موضوع رابطه جنسیت و شهر به یک گفتمان جدید در اروپا و آمریکا تبدیل شد. از دهه ۱۹۸۰ در متن جنبش زنان موج جدیدی به صورت فمینیسم شهری (Urban Feminism) به ظهور رسید که معمولاً از آن به عنوان «جنبش زنان و برنامه ریزی» نام برده می‌شود. خانم «کلارا گرید» (Clara Greed) استاد دانشگاه در برنامه ریزی و محیط زیست در انگلستان، از جمله کارشناسانی است که پژوهش‌های زیادی در این زمینه انجام داده و از جمله کتاب «زنان و برنامه ریزی» را منتشر کرده است. به نظر خانم گرید اصولاً برنامه ریزی شهری نیاز به بازسازی دارد، چرا که از آغاز بر پایه یک نگرش سنتی استوار شده بود که نقش زنان را به عنوان خانه دار و مادر و نقش مردان را به عنوان نان آور و اهل کار تصویر می‌کرد. برنامه ریزی شهری بر آرمان «منطقه بندی صحیح» استوار بود که ظاهراً به دلایل «کارکردی» و «سلامتی» کار را از خانه جدا در نظر می‌گرفت. به نحوی که مشکلات زیادی را برای زنان در ترکیب مسئولیتهای کاری در خانه و محیط کار ایجاد می‌کرد. گویی شهرسازان فقط به طبقه کارگر، به صورت کارگران مرد در معادن و صنایع، فکر می‌کردند، و معلوم نبود که برنامه ریزی برای میلیون‌ها زن، که در بخش‌های تولیدی و خدمات و تجارت شاغل هستند، چه می‌شود؟

(گرید، ۱۹۹۵)

در بستر تحولات فکری، اجتماعی و فرهنگی دهه هفتاد زنان دریافتند

با ایجاد جزیره های زنانه در يك اقیانوس مردانه نمی توان به همکاری، تعامل و برابری دست یافت و نمی توان کودکان و جوانان را برای پذیرش مسئولیتهای بزرگ انسانی خود (مردانه و زنانه) آماده ساخت.

است، هنوز طرح های بیشتر معطوف به مسائل کالبدی است تا مباحث عدالت اجتماعی و زنان، هنوز مباحث مربوط به زنان، جایگاه لازم خود را قوانین و تشکیلات شهرسازی پیدا نکرده است. (کریب، ۱۹۹۵)

رشد آگاهی های جنسیتی در سیاست های شهری

بررسی های مختلف در اروپا و آمریکا نشان می دهد که «مسائل زنان» در دهه های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ بیشتر بر حسب کاهش تبعیض و حمایت قانونی از زنان تعریف می شد ولی امروزه ضرورت بازنگری در رویکردها و سیاستهای شهری با هدف اصلاح بنیادهای نابرابری جنسیتی مورد توجه قرار گرفته است. در سال ۱۹۹۴ سازمان توسعه و همکاری اقتصادی (OECD) کنفرانس «زنان و شهر» را در پاریس برگزار کرد که بیانگر پیشرفت رهبری بین المللی زنان و مشارکت آنان در توسعه های شهری محسوب می شود. این کنفرانس بر ضرورت اقدامات جدید در زمینه دسترسی زنان به مسکن و محیط با کیفیت و خدمات پشتیبان برای تحقق توان های فردی و جمعی آنان تاکید ورزیده است. زنان، بر خلاف گذشته که بیشتر به مسائل سیاسی و اجتماعی توجه داشتند، به طور فزاینده ای در می یابند که چگونه سیاستهای شهری - برای مثال در زمینه مسکن سازی، حمل و نقل، و فضاهای باز - می تواند به آسایش یا سختی زندگی روزمره آنان کمک کند. به همین دلیل علاقه بیشتری به مشارکت در برنامه ریزی و مدیریت شهری نشان می دهند و به پیوستن

به انواع انجمن ها و تشکل های محلی برای سازماندهی بهتر محیط زندگی خود روی می آورند. (مک فارلند، ۱۹۹۶)

امروزه زنان در جستجوی مجموعه ای از نوآوری ها در يك گستره وسیع از سیاست ها هستند:

- **حمل و نقل:** بهبود نظام حمل و نقل عمومی در انطباق با نیازهای زنان (و نه فقط نیازهای رفت و آمد مردان) و همینطور مسیرهای پیاده و دوچرخه
- **مسکن:** دسترسی به سکونتگاههای مناسب تر و مسکن های ویژه (برای کهنسالان، ناتوانان و یا زنان آسیب دیده و قربانی خشونت ...).
- مسکن سازی برای افراد کم درآمد، کهنسال و بدون اتومبیل با دسترسی به تسهیلات خدماتی و خرده فروشی
- **محیط زیست:** بهسازی محیط زیست محله، تامین فضای سبز و بازی و ذخیره انرژی در خانه، جایی که معمولاً زنان مسئول بودجه و تهیه انرژی هستند.
- **امنیت:** بهبود سلامت و مبارزه با خشونت در خانه و خیابان از طریق روشنایی بهتر، طراحی شهری امن تر، میدان دید خوب، مراقبت بهتر از پارکینگها و حمل و نقل عمومی
- **خدمات کارآمدتر:** برای مراقبت از کودکان حمایت از کهنسالان و خدمات ویژه سلامتی
- **توسعه اقتصادی:** تشویق کارآفرینی زنان (از جمله تسهیلات بانکی ویژه) و تسهیل دسترسی به فرصتهای آموزشی و شغلی
- **فرهنگ و فراغت:** توسعه فعالیتهای و تسهیلات برای پذیرش اهمیت نقش زنان در جامعه (همان).

در کنفرانس زنان در شهر این موضوع مورد موافقت قرار گرفت که بهبود مشارکت زنان در زندگی شهری به يك تلاش مشخص نیاز دارد. این امر در درجه اول مستلزم افزایش نقش زنان در ساختارهای سیاسی و توجه بیشتر به نقش جنسیت در برنامه ریزی شهری و رشته های مرتبط است. در درجه دوم نیازمند آن است که نقش زنان در شوراهای محلی و گروههای همسو تقویت شود که به نوبه خود به ایجاد کانالهای ارتباطی موثرتر در عرصه انتخابات و نمایندگی زنان کمک می کند. (همان).

در کشورهای عضو سازمان توسعه و همکاری اقتصادی، زنان عموماً وضع بهتری در حکومت های محلی تا مدیریت منطقه ای و ملی دارند، اگرچه آنان در تمام سطوح به عنوان اقلیت باقی مانده اند. در کشور سوئد

مسئله بسیار شگفت آور و در عین حال تأسف انگیز این است که در شهرسازی مدرن - با وجود حضور وسیع زنان در عرصه های عمومی و فضاهای شهری - خیلی کم به تفاوت و تنوع این نیازها توجه شده است. گویا در دل «منشور شهرسازی مدرن» منشور نانوشته دیگری وجود دارد که شهر را برای مردان مجرد و میانسال طراحی می کند.

و توقعات مختلف شهروندان، اعم از زن و مرد را مورد توجه قرار می دهد. انگیزه مهم باز تولید فضاهای شهری و ایجاد فرصتهای برابر برای زنان و مردان در زندگی شهری و روستایی است. هدف منشور کمک به ایجاد جامعه ای آزادتر است، آزاد از الگوهای کهن که هر نوع توسعه ای را در برنامه ریزی شهری، خدمات، مسکن، ایمنی و رفت و آمد تضعیف می کند. بنابراین شهرها باید با نگرش و ادراک جدیدی نسبت به زنان بازاندیشی و بازآفرینی شوند.

به نظر این منشور در قدم اول و برای ایجاد هرگونه تغییر در وضعیت کنونی به سمت یک جامعه عادلانه و کثرت گرا، توجه به روابط فرهنگی، اجتماعی و تاریخی میان زنان و مردان ضروری است و دستیابی به این موضوع مستلزم فراهم کردن شرایط زیر است:

- ایجاد تعادل و برابری در فرایند تصمیم سازی برای اطمینان از فرصتهای برابر برای زنان و مردان
 - شکل گیری فرهنگ مشترک جدید، که زنان و مردان به طور یکسان از آن سهم می برند، که در آن مطالعات و علایق جنسیتی هسته تحول فکری می شود.
 - ایجاد تعادلی پویا میان دیدگاه مردانه و دیدگاه وادراک زنانه به عنوان عناصر ابتکاری در فرایند بازآفرینی پویایی شهری
- در منشور زنان در شهر پس از مقدمه ای شامل بیان انگیزه ها، اهداف، تعریف جنسیت و غیره، بیانیه اصلی منشور در دوازده بند آمده است که عناوین اصلی آنها به قرار زیر است:

زیر فشار عمومی تعداد زنان نامزد نمایندگی مجلس در تمام احزاب سیاسی افزایش یافته است. گسترش تسهیلات نگهداری کودکان و دادن مرخصی به والدین در هنگام تولد کودک اساساً به افزایش مشارکت زنان سوئدی در عرصه سیاسی و نیز بازار کار کمک کرده است. این وضعیت هم زنان و هم مردان را قادر ساخته است که فعالیت اقتصادی و سیاسی را با مسئولیتهای خانواده ترکیب کنند. در سایر کشورها مثل فنلاند و انگلستان اقدامات مشابهی در حمایت از حقوق زنان و مادران انجام شده است. (همان)

به طور کلی در عرصه توسعه شهری تغییرات تازه ای در گسترش همکاری و مشارکت همگانی در بخش عمومی، خصوصی و نهادهای محلی به ظهور رسیده که در آن نقش زنان به عنوان محور فرایند توسعه شهری پذیرفته شده است. اما پیشرفت بیشتر در این زمینه مستلزم اقدام در چند جبهه است. نخست باید اطلاعات دقیق مربوط به جنس، همانند اطلاعات درباره سایر گروهها (مانند اقلیت، ناتوانان، کهنسالان و جوانان) به صورت مستمر در دسترس همگان قرار گیرد. دوم لازم است که اشکال جدید حکمروایی شهری در راستای مسئولیت و مشارکت بیشتر گسترش پیدا کند. به منظور هماهنگ کردن خواست ها و آرزوهای تمام شهروندان در سیاستهای شهری لازم است که اشکال سازماندهی افقی به کار گرفته شود، اگرچه تمرکز بر آگاهی جنسیتی هم چنان ضروری است. علاوه بر این لازم است که پیوندهای نزدیک تر میان جنبش های اجتماعی زنان و مسئولان عرصه توسعه شهری برقرار گردد. اگرچه افزایش سهم زنان نماینده در شهرها و میزان حضور آنان در فرایند برنامه ریزی و مشاغل وابسته بسیار مهم است ولی کافی نیست. همه حرفه مردان به آموزش درباره زنان نیاز دارند و این که بتوانند نحوه نگرش زنان را در برنامه حرفه ای خود در نظر گیرند. (همان)

منشور اروپایی زنان در شهر

در سالهای اخیر از طرف تشکل های زنان اروپایی «منشور زنان در شهر» تدوین و منتشر شده است که گامی تازه در زمینه تقویت و گسترش برنامه ریزی و مدیریت شهری محسوب می شود. هدف از پیشنهاد «منشور زنان در شهر» ارائه فلسفه ای جدید در برنامه ریزی شهری است که به احتمال زیاد کمک سازنده ای به مباحث دموکراتیک می کند و نیازها

۱- زنان در شهر و شهروندان فعال:

یک بازنمایی واقع از دموکراسی

۲- زنان در شهر و مساوات در دموکراسی:

مشارکت زنان در تمام فرایندهای تصمیم سازی شهری

۳- زنان در شهر و فرصتهای برابر:

در آموزش، برنامه ریزی و مدیریت شهری

۴- زنان در شهر و مشارکت:

ایجاد سطوح میانی تصمیم گیری برای همه زنان

۵- زنان در شهر و زندگی روزانه:

حضور زنان در زندگی اجتماعی و همکاری گروهها

۶- زنان در شهر و توسعه پایدار:

نقش زنان در تامین پایداری و حفاظت محیط زیست

۷- زنان در شهر و تحرک امنیت اجتماعی:

تامین ایمنی زنان در برابر کار، رفت و آمد و خشونت

۸- زنان در شهر و حق داشتن مسکن:

تامین مسکن و فضای مناسب برای زنان

۹- زنان در شهر و مسائل جنسیت:

ارتقاء آموزش و آگاهی جنسیتی برای زنان و مردان

۱۰- زنان در شهر، آموزش و تجارب محلی:

آموزش مسائل جنسیتی در دانشکده های شهرسازی

۱۱- زنان در شهر و نقش رسانه ها:

نقش رسانه ها در گسترش آگاهی های جنسیتی

۱۲- زنان در شهر و شبکه اطلاعاتی:

گسترش ارتباطات در مقیاس اروپایی و فراملی

برنامه ریزی برای ایمنی زنان در شهر

یکی از برنامه های جدید دولت انگلستان در زمینه شهرسازی اجرای «طرح شهرهای امن تر» است که از سال ۱۹۸۸ در دستور کار قرار گرفته است. هدف اصلی این طرح کاهش جرائم، نا امنی و خشونت در شهرها است که شرط لازم برای توسعه اقتصادی- اجتماعی محسوب می شود. در چارچوب این طرح تعداد زیادی پروژه در شهرهای مختلف انگلستان به اجرا در آمده است. پژوهشها نشان داده است که زنان خیلی بیشتر و گاهی دو برابر مردان در معرض جرم و آسیب قرار دارند و به

همین دلیل نزدیک ۷۰ درصد زنان مایل نیستند که پس از تاریکی از خانه خارج شوند. بنابراین ایجاد ایمنی بیشتر در شهرها در درجه اول مستلزم فراهم کردن ایمنی برای زنان است. بررسی نتایج این پروژه ها حاوی آموزه هایی است که به طور خلاصه به آنها اشاره می شود. (تریخ و جونز، ۱۹۹۵)

● **زنان و حمل و نقل عمومی:** معمولاً زنان بیشتر از مردان متکی به وسایل حمل و نقل عمومی و حرکت پیاده هستند. اما حمل و نقل عمومی با دو خطر اصلی روبه رو است. نخستین مشکل ناشی از انتظار کشیدن مسافران در ایستگاههای دور و خلوت اتوبوس ها یا مترو است که زمینه را برای دزدی و خشونت فراهم می سازد. دوم کمبود کارکنان و نگهبانان در ایستگاههای دور و خلوت است که باعث ناامنی و هراس بیشتر مسافران، به ویژه زنان، می شود. البته محدودیتهای امکانات موجب شده است که در این زمینه اولویتهایی در نظر گرفته شود و البته زنان در راس این اولویتهای قرار دارند.

● **حمل و نقل عمومی ایمن تر:** گزینه دیگری برای افزایش ایمنی در شهر بهبود نظام حمل و نقل عمومی در جهت آسایش و رفاه بیشتر زنان در جریان سفرهای شهری است. برخی از اقدامات در این زمینه عبارت است از افزایش کارکنان در ایستگاهها، حضور راهنماها در اتوبوس های شب، و برقراری مسیرهای مینی بوس تا نزدیک خانه های مسافران. این گونه اقدامات علاوه بر افزایش ایمنی زنان فواید دیگری، نیز، برای سایر گروهها دارد. در هر حال هر چند ارائه این گونه خدمات پر هزینه است ولی برای دستیابی به یک سیستم حمل و نقل عمومی موثر و ایمن ضروری است.

● **پارکینگ اتومبیل:** زنانی که با خودرو شخصی رانندگی می کنند در هنگام خرابی یا تصادف اتومبیل، در مکان های خلوت، با خطر و ناامنی رو به رو هستند. همچنین پارکینگهای طبقاتی می تواند برای زنان ترس آور و نگران کننده باشد. پارکینگ های اتومبیل اصولاً برای رفت و آمد اتومبیل ها طراحی می شود ولی معمولاً به تامین مسیرهای پیاده و روشنایی مناسب برای آنها، که لازمه فرایند پارک کردن است، توجه لازم و کافی نمی شود. کارکنان پارکینگهای عمومی نقش موثری در این زمینه به عهده دارند و توصیه شده است که بخش های جلویی پارکینگها به زنان اختصاص داده شود.

● **طراحی شهرکها و مجتمع های مسکونی:** بررسی ها نشان داده است که شیوه ساماندهی و طراحی کالبدی شهرکها و مجتمع های

نباید فراموش کرد که امروزه مرزهای تقسیم کار اجتماعی مردانه و زنانه، و به تبع آن فضاهای زنانه و مردانه از بنیاد عوض شده است. زنان و مردان هر دو در تولید اجتماعی و اقتصاد خانوار شرکت دارند و مسئول پرورش زنان و مردان برای يك دنیای جدید هستند.

یافتن این حقیقت است که شکل شهرهای معاصر چگونه توسط فرضیاتی ناآشکار درباره زنان، نقش و جایگاه آنان در فضاهای شهری تعیین شده است. او برنامه ریزی شهری در قرن نوزدهم را مبارزه ای سازمان یافته برای حذف زنان، کودکان، طبقات کارگر و فقرا می داند. بنابراین حضور زنان در شهر پدیده ای متعارض و مسئله ساز است. این جنبه از رابطه مردان و زنان، که تقلایی میان نظم مردانه و بی نظمی زنانه است، در قلب زندگی شهری جای گرفته است. به نظر ویلسون شهر «مردانه» با «نظم خشک و رویه مند شده اش» که در مقیاس پیروزمندانه برج ها، مناظر و مناطق صنعتی بی روح تجلی یافته است، پیوسته با شهر «زنانه» با آن «اغتشاش لذت بخش» و جاذبه هزار توی آن در چالش قرار دارد. (مدنی، ۱۳۷۹، ۱۲۶). اما آن چیزی که باعث می شود زنان احساس کنند در شهر در حاشیه قرار گرفته اند چیست؟ شاید به توان گفت یکی از علل مهم نحوه کارکرد فضاهای شهری است که تحرك پذیری زنان را محدود می کند و آنان را با ترس و ناامنی رو به رو می سازد. از نظر اجتماعی حرکت و رفتار زنان در شهر به روش های گوناگون محدود می شود که از آزادی انتخاب و جنب و جوش آنان جلوگیری می کند. جدا شدن خانه از کار، در فرایند صنعتی شدن، و به حومه راندن زندگی شهری، هر روز بیشتر از پیش، زنان را از تحرك اجتماعی و مکانی باز می دارد، به ویژه برای زنان طبقات متوسط که بنا به فرض باید خانه دار باقی بمانند. اما با تغییر نقش سنتی زنان به عنوان خانه داری هایی بی مزد و مواجب و اهمیت روز افزون کمک

مسکونی نقش موثری در افزایش ایمنی و کاهش آسیب های اجتماعی آنها دارد. از جمله اقدامات در این زمینه می توان به ایجاد فضاهای فعال و پر جاذبه میان بلوکها و اطراف پارکینگها و توسعه فضاهای «نیمه خصوصی» اشاره کرد که باعث جلب علاقه ساکنان به حضور و حفاظت از آنها می گردد. همچنین راههای دسترسی باید به گونه ای طراحی شود که سراسر است، روشن و قابل رویت باشد و در حد ممکن از ایجاد گوشه های بن بست و کور پرهیز گردد.

● **راهنماهای طراحی:** در شهرهای مختلف انگلستان به کمک نهادهای مسئول شهری راهنماهای مختلفی برای طراحی و ساماندهی فضاها و تسهیلات شهری تدوین شده است که در نهایت به طور مستقیم و غیر مستقیم به رفاه و امنیت شهری، به ویژه برای زنان، کمک می کند. از جمله می توان به راهنماهای مربوط به روشنایی، مقاوم سازی ساختمان، فضای باز، پارکینگها، ساختمانهای تجاری، مراکز شهری، تقاطع ها، ایستگاههای مترو، پیاده راهها، ایستگاههای اتوبوس، باجه های تلفن و غیره اشاره کرد.

● **ضوابط منطقه بندی:** منطقه بندی (Zoning) یا تعیین مقررات استفاده از زمین یکی از موضوعات اصلی شهرسازی است که با مباحث نظری مختلفی همراه است. به نظر می رسد که رویکرد جدا کردن کاربری های اصلی مثل کار و مسکن و یکی از عوامل موثر در خلوت کردن خیابان ها و مراکز شهری در هنگام شب است. به همین دلیل ایجاد تنوع در فعالیتهای و کاربری های مختلط علاوه بر کمک به سرزندگی و جاذبه فضاهای شهری می تواند به امنیت فضاها و جلب زنان و سایر گروههای آسیب پذیر به آنها کمک کند.

زنان در فضاهای شهری

فضاهای شهری، در شهرهای بزرگ، اگرچه بسیار جذاب و برانگیزاننده اند ولی در عین حال سرشار از غریبگی، ناامنی و هراس هستند. به همین دلیل فضاهای شهری، اغلب، آن جاذبه ای را که برای مردان دارند برای زنان ندارند، چرا که برای آنان با آسایش و امنیت کافی همراه نیست. به همین دلیل بسیاری از نویسندگان فمینیست ضد شهر هستند. برخی از آنان می گویند که از نظر تاریخی شهرها را مردان می سازند و اداره می کنند و در عرصه شهرسازی، مثل بسیاری عرصه های دیگر، زنان در حاشیه قرار دارند. برای مثال «الیزابت ویلسون» در پی

رفتن به فضاهای شهری محروم می کنند. (مدنی پور، ۱۳۷۹، ۱۲۹).

جداسازی فضاهای عمومی زنانه

یکی از رویکردهای جدید برای تأمین رضایت و امنیت بیشتر زنان در فضاهای شهری توسل به جداسازی زنان و مردان در فضاهای عمومی و ایجاد تسهیلات و خدمات اختصاصی برای آنان است. البته جداسازی فضاهای مردانه و زنانه از یکدیگر ریشه در جوامع سنتی گذشته دارد ولی در دنیای معاصر اشکال جدیدتری پیدا کرده است که با انگیزه ها و دلایل مختلف هم در کشورهای پیشرفته و هم در کشورهای در حال توسعه، پیگیری می شود.

اگر موضوع ایجاد فضاها و امکانات خاص زنان در شهرها - مثل پارکهای ویژه، اتوبوس ها یا واگن های اختصاصی، باشگاههای ورزشی زنانه، تاکسی با رانندگان زن و غیره - با انگیزه ایجاد تنوع بیشتر در امکانات عمومی و افزایش حق انتخاب بیشتر برای زنان در نظر گرفته شود رویکردی سازنده و قابل دفاع محسوب می شود که به سود جامعه است. اما اگر ایجاد فضاها و تسهیلات اختصاصی زنان در شهرها با هدف اصلی جداسازی زنان از مردان صورت گیرد به نظر می رسد که با وجود برخی آثار مثبت ظاهری و کوتاه مدت از نظر پیامدهای درازمدت جامعه شناختی و روان شناختی چندان قابل دفاع نیست و بسیاری از شهروندان زن یا مرد با آن مخالف هستند.

اصل موضوع این است که جداسازی و ایجاد فضاهای خاص زنان نه تنها کمکی به اعتلای حقوق و حرمت زنان نمی کند. بلکه غیر مستقیم به آن آسیب می رساند. چراکه جداسازی فضاهای زنانه، در دنیای پیچیده و پیشرفته کنونی، اصولاً رویکرد «پدرسالارانه» و متعلق به دوران گذشته است که زنان را فقط مادر، ناتوان و نیازمند حمایت و حفاظت می داند. از این نظر ایجاد فضاهای خاص زنانه ادامه همان نگرش کهنه جداسازی «آندرونی» از «بیرونی» در مقیاسی وسیع تر از خانه در گسترده فضای شهر است. نباید فراموش کرد که امروزه مرزهای تقسیم کار اجتماعی مردانه و زنانه، و به تبع آن فضاهای زنانه و مردانه، از بنیاد عوض شده است. زنان و مردان هر دو در تولید اجتماعی و اقتصاد خانوار شرکت دارند و مسئول پرورش زنان و مردان برای یک دنیای

آنان به اقتصاد رسمی، هم زنان و هم نظام اقتصادی به تجدید نظر در الگوهای دسترسی و تحرک پذیری زنان روی آورده اند.

با تحولات کلان در ساختارهای اقتصادی که در آن بخش خدمات رشد پیدا کرده است و صنایع سنتی رو به زوال گذارده اند، نقش های جدیدی برای زنان در تقسیم اجتماعی کار، پدید آمده است. با زوال صنایع قدیمی نقش مرد طبقه کارگر، به عنوان نان آور خانواده، در حال تحول است، در حالی که کار زنان در خارج از خانه رو به افزایش دارد. حضور وسیع زنان در مراکز جدید کار و فعالیت چشم انداز نوینی در شهر پدید آورده است که در آن هر روز نقش ها و توان های بیشتری برای خود متصورند. (مدنی، ۱۳۷۹، ۱۲۸)

زنان هم به عنوان خریدار و هم فروشنده و هم برای ملاقات های اجتماعی و فعالیتهای داوطلبانه بیشترین استفاده کننده از مراکز و فضاهای شهری هستند. با این حال تأکید عمده در طراحی این مناطق بر پارکینگ اتومبیل است تا وسایل نقلیه عمومی، و کمتر به نیازهای ویژه زنان مثل مراکز نگهداری کودکان، زمین های بازی، سرویس های بهداشتی مناسب و یا استراحتگاه توجه می شود.

موضوع مهم برای زنان در فضاهای شهر نیاز به امنیت، به ویژه در شب و نقاط خلوت، است. معمولاً بسیاری از فضاهای شهری در سلطه مردان (به ویژه مردان جوان) است که باعث هراس و گریز زنان می شود.

برخی از پژوهش های موردی در اروپا نشان داده است که ۶۵ درصد زنان از بیرون رفتن در شب، از ترس مورد حمله قرار گرفتن، واهمه دارند. حتی حدود ۳۶ درصد از آنان در طول روز، نیز، از ترس آزار بدنی و دزدی مایل به بیرون رفتن نیستند. تحقیق درباره زندگی شبانه در ۱۲ شهر بزرگ و کوچک بریتانیایی نشان داد که نگرش زنان به زندگی شهری دارای تفاوت های بنیادی با مردان است. نتیجه این بود که حل این مسائل فقط مشروط به کنترل و امنیت بیشتر نیست بلکه به همراه آن باید فضاها را بر اساس نیازها، انتظارات و ویژگی های زنان طراحی و مدیریت کرد. مشکلات زنان در فضاهای شهری، در ایالات متحده آمریکا، حادثتر از اروپا است. بررسی های آماری در کلانشهرهای آمریکا نشان می دهد که عموم شهروندان زن از آسیب های شدید اجتماعی مثل تعرض، خشونت و جنایت رنج می برند و به همین دلیل خود را از

که زیباترین، امن ترین و پرشورترین فضاهای شهری آنهايي هستند که احساس خانوادگي را در انسان تقويت مي کند، جايي که تمام ارزش هاي فرهنگي و آموزش هاي زندگي اجتماعي در تعامل زنان و مردان و فرزندان آنان به ظهور مي رسد و شکوفا مي شود.

جدید هستند. بنابراین جداکردن زنان و مردان در فضاهای عمومی، در واقع تجزیه بنیادهای اجتماعی خانواده جدید است. با ایجاد جزیره های زنانه در يك اقیانوس مردانه نمی توان به همکاری، تعامل و برابری دست یافت و نمی توان کودکان و جوانان را برای پذیرش مسئولیتهای بزرگ انسانی خود (مردانه و زنانه) آماده ساخت. و باز نباید فراموش کرد

عکس: مریم خونساری

